

## State in the political thought of Imam Musa Sadr

Sharif Lakzaei \*

Received on: 04/12/2023

Accepted on: 12/04/2024

### Abstract

**Purpose:** The purpose of this article is to explain Sadr's view of the state and to point out the main features of this state. Therefore, in the article, the negative and positive issues, the nature of the state, the relationship between politics and religion, and the duality of sectarianism and secularism in Sadr's political thought have been discussed.

**Methodology:** Sadr's view of the state as the largest and most important institution in a society reflects the reality of the state in society. Therefore, while paying attention to this issue, this article aims to express some characteristics of the state in Sadr's thought and opinions with a descriptive approach and thematic analysis and to introduce the ideal state in a culturally diverse society.

**Findings:** While increasing religious and social awareness in the society, Sadr has tried to remove the government structure from the domination of sectarianism and secularism and find a correct way to solve social problems and problems in which meritocracy, faith and individual and collective commitment play a greater role. In addition to meritocracy, which is outside the scope of sectarianism and secularism, Sadr enumerates other characteristics for the government that show his different view with other views and models. These are: religious, non-authoritarian, competent, non-secular, democratic and heavenly; As shown in the text, the heavenly nature of the state is not a metaphysical point of view, but it means that the state stands beyond the sects and plans, strives and works for the advancement of human beings, considering all members of the society and citizens. Such a government can be considered desirable and heavenly.

---

\* Associate Professor, Department of Political Philosophy, Research Institute of Political Science and Thought, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.  
(Corresponding Author).

sharif@isca.ac.ir

 0000-0002-8122-5900



**Conclusion:** According to the past discussions and in response to how the president is planning his ideal state, it was said that he is looking for a third way in order to be able to Paying attention to the religious commonalities of the society and by gathering and synergizing the resources and forces to improve the human being and defend the more effective presence of religion in this society. In fact, from Sadr's point of view, authentic religion is a religion that pays attention to social realities and tries to reduce human pains and sufferings in the path of practicing religion. Therefore, Sadr considers the authentic religion to be present in the social scene and the arena of human life, which helps him to solve his material and spiritual problems; Therefore, he defends the social presence of religion. The main obstacles facing Sadr are the sectarian political system, the secular policy of the Lebanese state and society, and the absence of religion in the social scene. During his 20-year presence in Lebanon, Sadr considered all three ways wrong and emphasized the third way. This is the third way of taking advantage of the commonalities of religions in building society and solving the problems of Lebanese people; Therefore, Sadr's view of the state is not out of this situation.

**Keyword:** State, religion, politics, sectarianism, secularism, political structure, Imam Musa Sadr.

## دولت در اندیشه سیاسی امام موسی صدر

شریف لکزایی\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

### چکیده

پرسش اصلی مقاله این است که از نگاه امام موسی صدر، دولت چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند نقش پیش‌برنده جامعه را ایفا کند. مدعا این است که صدر در این باره نگاه جامعی دارد و همزمان که وضعیت موجود دولت را نقد می‌کند، راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد که در اثر آن دولت سامان بهتری می‌یابد و برای پیشرفت در جامعه نقش مهم‌تری ایفا می‌کند. در توضیح مدعا می‌توان به ایده اصلی و کلیدی صدر در لبنان اشاره کرد. ایشان در میانه یک نظام سیاسی فرقه‌گرا و یک دولت سکولار به دنبال ایجاد راه‌سومی است که بتواند با توجه به مشترکات دینی موجود در جامعه لبنان از حضور مؤثرتر دین در این جامعه دفاع کند. در واقع صدر بر آن است که ارزش‌های دینی را در دولت جاری کند که در اثر آن انسان متعالی خلق و هستی یابد و حیات اجتماعی او سرشار از ارزش‌های متعالی شود. صدر دین اصیل را برای حضور در صحنه اجتماع و عرصه زیست جمعی و زندگی انسان می‌داند؛ از این رو از حضور اجتماعی دین دفاع می‌کند. دو مانع عمده در پیش روی صدر، نظام سیاسی و اجتماعی فرقه‌گرایانه و مشی سکولار دولت و جامعه لبنان و غیبت دین و ارزش‌های دینی از صحنه اجتماعی است. صدر در دوره حضور بیست‌ساله خود در لبنان هر دو مسیر را نادرست می‌داند و بر راه سومی تأکید می‌کند؛ یعنی بهره‌گیری از مشترکات ادیان در ساخت جامعه و حل مشکلات انسان؛ بنابراین نگاه صدر به دولت نیز خارج از این وضعیت نیست. طرحی که وی پیش پای انسان قرار می‌دهد، افزون بر ابتدای آن بر حضور اجتماعی دین، دولتی است که از مشکلات فرقه‌گرایانه و مصائب سکولاریسم فارغ باشد. وی نام چنین دولتی را «دولت آسمانی» می‌نامد که می‌تواند فراتر از نگاه و مشی نظام فرقه‌گرایانه و مشی و مرام سکولار به اداره یک جامعه بیندیشد و برای انسان چاره‌اندیشی کند. در این مقاله به مباحث سلبی و ایجابی و ماهیت دولت و مناسبات سیاست با دین و دوگانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم در بحث دولت اشاره و مباحث امام صدر تحلیل شده است.

**کلمات کلیدی:** دولت، دین، سیاست، لبنان، فرقه‌گرایی، سکولاریسم، ساختار سیاسی، امام موسی صدر.

\* دانشیار گروه فلسفه سیاسی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی، قم، ایران.

(نویسنده مسئول).

0000-0002-8122-5900

sharif@isca.ac.ir



## بیان مسئله

مجموعه مباحث امام موسی صدر درباره تحول و پیشرفت در یک جامعه این نکته را برای مخاطب آثار وی مکشوف می‌کند که توجه به نقش دولت و نظام‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این زمینه بسیار مهم است؛ به‌ویژه نحوه و ساختار دولت در این زمینه اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا واجد نقش مؤثری در توزیع و تنظیم امکانات و نحوه تصمیم‌سازی در زمینه‌های مختلف است که می‌تواند در بحث تحول و پیشرفت جامعه مؤثر باشد؛ از این‌رو و به دلیل اهمیت و نقش دولت در جامعه لبنان و با توجه به محرومیت‌های موجود، صدر بحث‌های مهمی درباره دولت دارد که نگارنده به بخشی از آن در کتاب *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر* اشاره کرده است (لکزایی، ۱۳۹۷: الف). در اینجا بدون تکرار آنچه در آن منبع آمده، به این پرسش اصلی پاسخ داده شده است که از منظر امام موسی صدر، دولت چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند نقش پیش‌برنده در جامعه را ایفا کند. مدعا این است که نگاه صدر در این زمینه نگاهی است که به واقعیت‌های موجود پرداخته و از این‌رو ضمن نقد آنچه در جامعه می‌گذرد به دنبال ارائه راه‌حلی است که در آن دولت واجد ساختار و سامان بهتری بشود تا بتواند با تأثیرگذاری بیشتری در پیشرفت جامعه نقش ایفا کند. شایسته‌سالاری، متدین‌بودن، غیر مستبد، صالح، غیر سکولار و دموکراتیک، بخشی از ویژگی‌های مورد نظر صدر است.

## پیشینه پژوهش

گرچه درباره مباحث نظری دولت مطالب زیادی منتشر شده است اما درباره پیشینه مباحث دولت در اندیشه و آرای سید موسی صدر به‌جز دو بحث اینجانب، کار پژوهشی دیگری انجام نگرفته است. یکی مباحثی که در کتاب *درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر* آمده که در آنجا درباره حکومت و ولایت سخن گفته شده و دیگری بحث مختصری که در همایش علوم انسانی اسلامی درباره دولت در اندیشه صدر از سوی نگارنده ارائه شده است. از این‌رو مدعای طرح‌شده در نوشته حاضر به ایده اصلی و کلیدی صدر در لبنان اشاره دارد؛ اینکه وی در میانه نظام سیاسی فرقه‌گرا و دولت سکولار به بحث و تأمل پرداخته است و با این‌حال طرحی را پیش پای انسان قرار می‌دهد که در آن دولت با توجه به ویژگی‌های برشمرده شده، فارغ از مشکلات نظام‌های فرقه‌گرایانه و سکولاریستی است؛ از این‌رو وی در مباحث خود از دولتی با عنوان «دولت

آسمانی» یاد می‌کند که واجد این امکان است که بتواند فراتر از نگاه فرقه‌گرایانه و مرام سکولاریستی به اداره جامعه بیندیشد و برای انسان برنامه‌ریزی و فعالیت کند. این نگاه البته با واقعیات عینی جامعه لبنان نیز گره خورده است و صدر در واقع با این اندیشه‌ورزی درباره دولت در اندیشه حل معضلات جامعه لبنانی است؛ گویی حل مشکلات و معضلات انسان لبنانی در صدر اقدامات ایشان بوده و برای حل آن‌ها اندیشه‌ورزی می‌کرده است. لزوم توجه به مسئله دولت و ارائه راهکار برای اینکه وضعیت انسان لبنانی ارتقاء یابد نیز از این نگاه بیرون نیست.

### روش پژوهش

نگاه صدر به دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهاد در یک جامعه به‌نوعی بازتاب‌دهنده واقعیت دولت در جامعه است. از این رو در مقاله حاضر ضمن توجه به این مطلب، بر آن است که با رویکرد توصیفی و تحلیل مضمون به توصیف برخی از ویژگی‌های دولت در اندیشه و آرای صدر بپردازد و به‌نوعی دولت مطلوب در یک جامعه متکثر و متنوع به لحاظ فرهنگی را معرفی نماید. در ادامه ضمن بحث درباره ماهیت دولت به دیگر مباحث اختصاصی صدر درباره دولت و به‌ویژه مناسبات دین و سیاست و دولت پرداخته‌ایم.

### ۱. چارچوب مفهومی و مختصات دولت

درباره مختصات دولت در اندیشه سیاسی امام موسی صدر می‌بینیم دولت مدنظر او از جهت سلبی و به‌ویژه مرزبندی‌ای که با «دولت فرقه‌ای» از یک‌سو و «دولت سکولار» از سوی دیگر دارد، دست‌کم به‌نوعی مرزهای دولت مطلوب خویش و کرانه‌های آن را به لحاظ سلبی روشن می‌کند. افزون بر این، صدر از لحاظ ابعاد ایجابی عناصر دولت نیز تا حدود زیادی به ارائه بحث پرداخته و ابعاد مورد نظر دولت خویش و ارزش‌های آن را روشن کرده است؛ بنابراین این پرسش اساسی نیز مطرح می‌شود که چرا صدر برای تعیین کرانمندی دولت مطلوب خویش، به دولت سکولار و دولت فرقه‌ای توجه می‌کند؛ به تعبیر دیگر امام موسی صدر با سکولاریسم و نه پاتریمونالیسم یا چرا با فرقه‌گرایی و نه توده‌گرایی سیاسی مرزبندی می‌کند.

از این منظر، این تمایزگذاری بیشتر به تجربه زیست سیاسی او از شرایط جامعه لبنان و

رویکرد او به دین به مثابه عنصر هویت‌بخش و پاسخ‌دهنده به زندگی فردی و اجتماعی انسان معاصر اشاره دارد؛ از این رو وجه تأکید امام موسی صدر بر فرقه‌گرایی و سکولاریسم به عنوان وجوه سلبی مورد نظر ایشان برای ترسیم دیدگاه خویش درباره دولت اشاره دارد که این دو در جامعه لبنان حضور عینی و واقعی دارند. در واقع جامعه و دولت لبنان بر اساس این دو نگاه و شرایط عینی به حیات خود تداوم بخشیده است؛ از این رو صدر به دنبال بررسی ابعاد دیگر مانند انواع دولت از قبیل پاتریمونیالیسم و نئوپاتریمونیالیسم نبوده و بیشتر به واقعیات جامعه و دولت لبنان و تجربه زیسته سیاسی و اجتماعی ایشان در این کشور نظر دارد.

گفتنی است ساختار فعلی دولت لبنان از سال‌های دهه ۱۹۲۰ به بعد در لبنان با ابتکار و مداخله فرانسوی‌ها به وجود آمد و شیوه دموکراسی انجمنی در آن پدیدار شد که به تعبیر حمید احمدی بهترین نمونه از سازش قومی بوده که تاکنون تحقیق‌یافته است (احمدی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۷). با وجود این مسئله، از دیدگاه احمدی جوامعی مانند لبنان «به‌رغم برخورداری از ساختار دموکراتیک به دلیل تازه تأسیس بودن در معرض آسیب‌پذیری قرار دارند» (همان) و این مسئله می‌تواند چنین جامعه‌ای را در معرض کشمکش‌های خونین داخلی قرار دهد؛ از این رو لبنان در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۹ به سوی این تجربه سوق یافت.

این موضوع در فضای ذهنی و اقدامات عملی امام موسی صدر وجود دارد و به نظر می‌رسد ایشان از همین منظر به نقش دولت و بی‌طرفی آن در جامعه لبنان اشاره می‌کند. در واقع صدر با احساس مشکلات موجود در لبنان و البته با افزودن نقش جامعه شیعه بر آن است که جامعه لبنان به سطحی از یکپارچگی دست یابد که با مداخله بیرونی مقابله کند و این مداخلات نتواند به همبستگی جامعه لبنان آسیب بزند؛ بنابراین مخالفت همزمان صدر با نظام سیاسی فرقه‌گرایانه و نظام سیاسی سکولاریسم به این دلیل است که هر دو به شکاف‌های اجتماعی کمک می‌کنند و نمی‌توانند بی‌طرفی دولت را تضمین کنند. در واقع صدر نوع ساختار موجود را که ترکیبی از فرقه‌گرایی و سکولاریسم است، مشکل جامعه لبنان تلقی می‌کند.

با توجه به اینکه دولت لبنان دولتی تازه تأسیس به شمار می‌آید که سال‌ها جزء مناطق تحت سلطه امپراتوری عثمانی بوده است، انسجام لازم را برای ایجاد و استقرار یک دولت یکپارچه ندارد. به تعبیر احمدی این منطقه تداوم سرزمینی و دولت‌داری ندارد که این امر به معنای نبود

دولت کامل در سرزمین معین است؛ از این رو نتوانسته است به تداوم تاریخی، تمدنی، فرهنگی، دینی، زبانی و... دست یابد؛ بنابراین صدر به دنبال آن است تا با تأکید بر مشترکات و با فرض وجود و واقعیت تفاوت‌های موجود میان طوایف مختلف، دولتی شکل گیرد که همبستگی اجتماعی را ایجاد کند و تداوم بخشد و جامعه را از کشمکش‌های خونین گذشته دور کند؛ البته به نظر می‌رسد صدر در زمان حضور خود در لبنان در این زمینه موفق نبوده است.

اهمیت این موضوع به این دلیل است که دولت در لبنان هنوز واجد ظرفیت‌های عینی برای تداوم همبستگی خود نیست. احمدی در این زمینه تصریح می‌کند: «این امر باعث می‌شود که تنوعات فرهنگی، دینی، زبانی و حتی نژادی تحت تأثیر تداوم ساختار سیاسی، وحدت سرزمینی، میراث تمدنی و فرهنگی و ادبی قرار گیرد و تداوم حافظه و ذهنیت تاریخی از بروز کشمکش‌های زبانی یا مذهبی جلوگیری کرده و تلاش‌های گسترده داخلی و خارجی برای تحمیل تضادهای قومی و گستراندن کشمکش‌های قومی چندان کارساز نشود» (همان، ص ۳۶۶)؛ بنابراین چون جامعه لبنان این وضعیت تاریخی را ندارد، همواره دچار کشمکش خواهد بود تا در نهایت به ثبات و آرامش دست یابد. قانون اساسی لبنان نیز مؤید ساختاری فرقه‌گرایانه است. برای این منظور ریاست جمهوری در اختیار مسیحیان است، نخست‌وزیری در اختیار مسلمانان سنی است و ریاست مجلس بر عهده مسلمانان شیعه قرار دارد. تغییر این وضعیت همواره خواست امام موسی صدر بوده است و ایشان در نقد این ساختار مطالب زیادی مطرح کرده که در بخش‌های بعدی مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره شده است.

در هر حال امام موسی صدر در بحث ماهیت دولت مطالب تحلیلی و تفصیلی ارائه نداده، اما در تعریف کوتاهی به دولت نشان داده است که تصور مهمی به دولت دارد؛ از این رو در تعریف دولت می‌گوید: «دولت مجموعه‌ای از نهادهاست» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۶۳). این تعریف از دولت به نوعی در کنار تعاریفی قرار دارد که بر وجه ساختاری دولت تأکید کرده و دولت را نهاد برتر فرماندهی و اقتدار در یک جامعه معرفی می‌کنند. در واقع از این منظر دولت نهاد نهادهاست و بر مجموعه بسیاری از آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ چنانکه بر مجموعه افراد، زندگی و سبک زیست آنان نیز تأثیرات مهمی بر جای می‌گذارد. البته از سوی دیگر صدر در بحث تشکیلات که مبحث دولت را شامل می‌شود، مطالب مهمی طرح کرده و بر ارائه کلیاتی درباره وجود تشکیلات، قدرتمندی و

نیرومندی تأکید می‌کند. در واقع با این نگاه، صدر هم بر وجود تشکیلات به نحو عام تأکید و تصریح کرده و هم به‌نوعی بر وجود دولت به‌منزلهٔ نهاد نهادها تأکید می‌کند که می‌تواند بر سیاست‌های عمومی تأثیرگذار باشد؛ بر این اساس شاید بتوان از اصول کلی که مبتنی بر تأسیس و تشکیل یک تشکل و حتی دولت است از منظر صدر تأکید نمود؛ از جمله تأکید بر وجود یک ایدئولوژی، خودسازی، تربیت و آموزش، وجود دستگاه نظارتی، نقش رهبری، صداقت، صحیح بودن هدف، کار گروهی و نه فردی، ذوب شدن در جماعت و رعایت اخلاق. برخی موانع نیز عبارت‌اند از: فرقه‌گرایی و دسته‌بندی کردن مردم، فردگرایی، انتقادپذیری، حق‌گریزی، سکولاریسم (همان). در هر حال کار تشکیلاتی یک کار جمعی و گروهی است؛ از این رو دولت نیز نمی‌تواند به‌صورت جزیره‌ای و فرقه‌ای اداره شود؛ زیرا دولت مجموعه‌ای از نهادهاست که به ادارهٔ جامعه می‌پردازد.

## ۲. دوگانهٔ فرقه‌گرایی و سکولاریسم

از نگاه صدر، آنچه به وضعیت پیشرفت در یک جامعه آسیب می‌رساند، نگاه و نظام فرقه‌گرایانه از یک‌سو و نگاه سکولار از سوی دیگر است. صدر در میانهٔ فرقه‌گرایی و سکولاریسم به راه‌حل سوم می‌اندیشد و آن تشکیل دولتی مؤمن و غیر فرقه‌ای است که می‌تواند از عنصر ایمان و معنویت در راستای پیشرفت بهره‌مند شود. در واقع کنار گذاشتن ایمان و نگاه فرقه‌گرایانه از یک‌سو و «سکولار کردن دولت» از سوی دیگر «موجب هدر رفتن نیروهای ایمانی است که از ارزشمندترین نیروهای انسانی به شمار می‌آیند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۳۰)؛ از این رو صدر تصریح می‌کند: «دولت نباید از ایمان به ارزش‌ها جدا شود و ایمان به ارزش‌ها بدون ایمان به خداوند و ساخت جامعه‌ای مبتنی بر ایمان تحقق نمی‌یابد. ایمان غیر از فرقه‌گرایی در جامعه است. همچنان که ایمان غیر از تعصب و ورزیدن در امور شخصی است؛ بنابراین سکولار بودن را نمی‌پذیریم و آن را برای جانشینی فرقه‌گرایی قبول نداریم. هرچند با فرقه‌گرایی نیز مخالفیم. ما می‌خواهیم دولتی مؤمن و غیر فرقه‌ای تشکیل شود» (همان). افزون بر اینکه وی برای عبور از مشکلات چه راه‌حل مشخصی پیشنهاد می‌کند (همان، صص ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۳۰) مدافع تشکیل دولتی مؤمن و غیر فرقه‌ای است.



اینکه دولت چگونه باید باشد تا بتواند به وظایف خود در مقابل شهروندان عمل کند، همواره دغدغه صدر بوده است. ایشان در مواردی دیگر با تعبیری تلاش کرده است دیدگاه خود را طرح کند. از جمله اینکه در گفت‌وگویی از دولت به مثابه پدر سخن می‌گوید: «دولت همواره می‌کوشد تا مسائل اجتماعی را سیاسی کند، درحالی‌که دولت، مانند پدر، باید حتی در برابر حرکت‌ها و اقدامات سیاسی نیز بردبار باشد» (همان، ص ۲۳۷). در این فقره نقل شده وی در ضمن آسیب‌شناسی دولت در لبنان و اینکه مسائل اجتماعی را سیاسی می‌کند به وجه ایجابی و پدرانۀ دولت و بردباری آن در برابر اقدامات و حرکت‌های سیاسی توصیه می‌کند. این نگاه به دولت البته الزاماتی دارد و می‌تواند در تبیین دیدگاه صدر درباره دولت مورد توجه دقیق‌تری قرار بگیرد تا به نوعی دیدگاه وی را درباره دولت آشکارتر کند.

تعبیر دیگری که وی برای یک دولت مطلوب در لبنان پیشنهاد می‌کند، دفاع از یک دولت «متدین غیرمستبد» است. به نظر می‌رسد این تعبیر نیز تفسیر دیگری از تعبیر «دولت مؤمن غیر فرقه‌ای» و «دولت به مثابه پدر» است که در فرمایش‌های ایشان انعکاس یافته است. در واقع این تعبیر همه به نوعی مطلوب ایشان را می‌رساند و در واقع جامعه را به وضعیتی مطلوب نزدیک‌تر می‌کند؛ به‌ویژه اینکه ایشان تلقی خاصی از حضور خود در سیاست دارد و ساحت و اعتبار خویش را برای اینکه در عزل و نصب افراد برای ورود به منصبی و یا خروج از مقامی خرج شود، دور می‌داند؛ از این رو می‌گوید: «من یک روحانی‌ام و برخلاف آنچه گفته می‌شود، در سیاست دخالت نمی‌کنم و بر این عقیده‌ام که فعالیت‌هایی نیز که انجام داده‌ام، برخاسته از اصول و مبانی من است و هیچ‌گاه برای انتخاب یا عزل فردی یا روی کار آمدن یا کنار رفتن دولتی تلاش نکرده‌ام» (همان، ص ۲۶۲)؛ با این حال حوزه تأثیرگذاری و مداخله خود را نیز روشن می‌کند و می‌گوید: «من وارد این کارها نمی‌شوم، ولی در حدی که حق دارم درباره ساختار نظام لبنان صحبت می‌کنم» (همان، ص ۲۶۳).

وی در تفسیر این سخن خود که به معنای وارد نشدن او به گروه‌های سیاسی و احزاب و جریان‌های خاص سیاسی است می‌گوید: «ما تفسیر خاصی از فعالیت سیاسی داریم. فعالیت مردمی بر اساس مبانی و اصول، فعالیت سیاسی به شمار نمی‌آید، بلکه یکی از مسئولیت‌های مهم من است. فعالیت سیاسی آن است که به دنبال انتخاب شدن یک فرد به مقام ریاست یا وزارت باشیم»

(همان، ص ۲۶۵). این تلقی از فعالیت سیاسی تلقی خاصی است و بخشی از فعالیت‌های یک فعال سیاسی را نشان می‌دهد. بر این اساس وی ترجیح می‌دهد به‌عنوان رهبر فکری و اجتماعی مردم شناخته شود تا فردی که به‌مثابه عضو از یک حزب به فعالیت سیاسی اشتغال دارد و در راستای کسب قدرت فعالیت می‌کند. صدر حتی رهبری فکری و اجتماعی عام مردم را بر ریاست مجلس اعلای شیعیان ترجیح می‌دهد؛ زیرا این مجلس با توجه به فعالیت‌ها و الزامات اداری خود وی را دچار محدودیت‌هایی کرده و او را از رهبری فکری مردم دور می‌کند (همان، ص ۲۶۶)؛ از این‌رو وی درباره نقش خود در لبنان تصریح و تأکید می‌کند که «هیچ‌کس در لبنان نمی‌تواند برای من نقش تعیین کند. نقش من را خداوند سبحان، تاریخ میهن، دین و مذهب تعیین کرده است و تغییر نخواهد کرد» (همان، ص ۲۶۷)؛ بنابراین در نگاه صدر آنچه نقش وی را تعیین می‌کند، بسیار بزرگ‌تر از فعالیت در یک حزب و گروه سیاسی با اهداف بلند و کوتاه سیاسی است. این نقش در واقع از جمله وظایفی است که وی برای علمای دین در اصلاح اوضاع اجتماعی قائل است.

صدر قدرت خویش را مرهون هیچ جریانی در لبنان نمی‌داند، بلکه تصریح می‌کند قدرت او برگرفته از سه عامل است: صداقت تا حد ممکن، تحمیل نکردن نظر خود بر دیگران و درک حقیقت دیگران (همان، ص ۲۵۷).<sup>۱</sup> افزون بر این، به تصریح وی قدرت باید ریشه در انسانیت داشته باشد والا سرنگون می‌شود (همان، ص ۳۴۷).<sup>۲</sup> همچنین تأکید می‌کند آرمان‌هایش «بسیار بزرگ‌تر از آن است که در قالب نمایندگی با ریاست مجلس یا حتی صلاحیت‌های قانونی برای مجلس اعلای شیعیان محدود شود» (همان، ص ۲۳۴). در ادامه نیز تأکید می‌کند مسئولیت‌هایش بر اساس توانایی‌های اوست: «من پیش از آنکه مجلس تأسیس شود و ریاست آن را بر عهده بگیرم، مسئولیت‌های کنونی را داشتم که همگی برخاسته از ایمان، توانایی‌ها و آرمان‌های من است» (همان، ص ۲۳۴)؛ بنابراین صدر خودش را وامدار هیچ گروه و جریانی نمی‌داند و به‌منظور ارتباط فکری مؤثر با مردم وارد هیچ‌کدام از جریانات سیاسی روز و احزاب نمی‌شود. این نحوه برخورد

۱. همچنین در ادامه می‌گوید: «من با اندیشه‌های پیچیده و ابهام‌آمیز زندگی نمی‌کنم و تلاش طاقت‌فرسای من اندیشه‌ام را غنی و بی‌نیاز می‌کند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۲۵۷).

۲. «قدرت هر چند ستمگر و بی‌رحم باشد، اگر ریشه در انسانیت نداشته باشد، سرنگون می‌شود و بر باد می‌رود».

وی را واجد روحیه‌ای سرشار از حریت می‌کند که بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌تواند از حقوق مردم دفاع کرده و به تعبیر خود به وظیفهٔ مردمی و دینی خویش عمل کند؛ از این رو با چنین پشتوانه‌ای از قدرت راه‌حلی که پیشنهاد می‌کند به نفی نظام فرقه‌گرای موجود لبنان و نفی نظام سکولار است.

درواقع ایشان راه‌حل دولت لبنان را در ایجاد دولت متدین و غیر مستبد می‌داند و نه نظام فرقه‌گرا و سکولار: «من پیش از انتخابات امسال آرزو داشتم نظام فرقه‌ای به نظامی دموکراتیک و شایسته‌سالار تبدیل شود و نمی‌گویم سکولار؛ زیرا به‌جز نظام فرقه‌گرایی و نظام سکولار راه‌حل سومی نیز وجود دارد که همان نظام متدین غیر مستبد است» (همان، ص ۲۶۲)؛ از همین رو به نقد نظام سکولاریستی و دموکراسی مانند نظام فرقه‌گرا مبادرت می‌ورزد؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد در پاره‌ای از موارد ایشان دموکراسی را هم پای نظام سکولار گرفته و به نقد آن پرداخته است، اما در مواردی نیز از دموکراتیک‌بودن نظام سیاسی لبنان دفاع کرده است. در هر صورت ایشان از یک سو نظام دموکراتیک را معادل سکولار بودن نمی‌گیرد و از سویی نیز روشن است به‌صراحت نظام‌های فرقه‌گرا و سکولار را هم‌زمان نقد و نفی می‌کند و از دولتی بحث می‌کند که در میانهٔ نظم سکولاریستی و فرقه‌گرایی نایستاده باشد. به تعبیری دیگر، صدر درباره دولتی سخن می‌گوید که واجد ایمان باشد و درعین حال، غیر فرقه‌گرا، غیر سکولار، غیر مستبد، دموکراتیک، شایسته‌سالار، مؤمن، متدین و به‌مثابهٔ پدر باشد.

امام صدر در نقد هر کدام از دولت‌های دموکراتیک و فرقه‌گرا هم مطالب مهمی ذکر می‌کند؛ برای مثال در نقد دولت دموکراتیک می‌گوید: «مشکل نظام دموکراتیک این است که موجب تفاوت در فرصت‌های فراهم‌شده برای هم‌وطنان می‌شود؛ زیرا وقتی آزادی، بدون نظارت و حمایت رها شود، توانمندان توانمندتر می‌شوند و محرومان محروم‌تر. باید این لیبرالیسم موجود در دموکراسی مهار شود» (همان، ص ۲۶۲). ایشان از آزادی حمایت‌های صریحی دارد و ضمانت آزادی را جز با آزادی نمی‌داند، اما به لیبرالیسم موجود در دموکراسی‌های رایج نیز تن نمی‌دهد و این نوع آزادی را بدون نظارت و رها تلقی می‌کند که می‌تواند به جامعه آسیب بزند. در ادامه نیز پیشنهادی می‌دهد و بر این نظر است که بیشتر ملت لبنان نظام دموکراسی غربی را رد می‌کنند. همچنین وی در نقد نظام فرقه‌گرا-افزون بر آنچه پیش‌ازاین تصریح شد- بر این نکته تأکید می‌کند که این نظام نتوانسته است مساوات و برابری را برای همه محقق کند: «این نظام که برای کمک به همهٔ گروه‌ها

و فرقه‌ها پایه‌گذاری شده، نتوانسته است مساوات و برابری را محقق کند» (همان، ص ۲۶۳).

نکته بسیار مهم برای صدر پیشرفت و رفع محرومیت از جامعه لبنان است که از نظر او مهم‌ترین وظیفه دولت لبنان محسوب می‌شود؛ از این رو معتقد است دولت وسیله‌ای برای آسایش و سربلندی جامعه است: «اگر همه گروه‌های لبنانی دریابند که با تعدیل و اصلاح نظام کنونی می‌توانند سربلندی و حقوق و آزادی همگان را حفظ کنند، اجرای آن امکان‌پذیر خواهد شد. انسان حکومت را وسیله‌ای برای آسایش و سربلندی خود می‌خواهد و هیچ‌کس در جهان نظام حکومتی را نمی‌پرستد و آن را ثابت و تغییرناپذیر نمی‌شمارد. ما نظام و حکومت را برای خیر و سعادت می‌خواهیم و وقتی با اصلاح نظام خیر و سعادت فراهم می‌شود، باید این اصلاح را انجام داد» (همان، ص ۲۶۲)؛ از این رو ایشان رأی به اصلاح و تغییر دولت در جامعه لبنان را صادر و از آن دفاع و پشتیبانی می‌کند: «به نظر من برپایی نظام شایسته‌سالار و تشکیل مجلس دوم که به آن اشاره کردم، نظامی بهتر از نظام حکومتی کنونی پدید می‌آورد» (همان، ص ۲۶۳).

وی به این دلیل که دولت وسیله‌ای برای آسایش و سربلندی شهروندان در یک جامعه است، اعتقاد دارد شکل خاصی از دولت نیز در اسلام وجود ندارد (همان، ص ۳۵۴)<sup>۱</sup> و چنانکه در بالا هم تصریح شد، برحسب مقتضیات هر جامعه و در هر زمانی ممکن است به شکل خاصی از دولت برسیم که بتواند چنان‌چنان هدفی را محقق کند. یکی از مواردی که سبب می‌شود جامعه صالح و پیشرفته شود توجه به ولایت است. ممکن است از صدر سؤال شود که ولایت در وضعیت فعلی چگونه ممکن است و چگونه تحقق می‌یابد؟ پاسخ صدر این است که «ولایت در حال حاضر برای حاکم صالح است که جامعه‌ای صالح را بر اساس کتاب خدا و سنت رسول (ص) و اهل بیت تشکیل دهد» (همان، ص ۳۵۴). در واقع از نظر صدر «ضرورتی هم ندارد که این حاکم از میان ائمه باشد، بلکه مهم این است مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی اتفاق نظر داشته باشند و دیگر اختلافی در مورد اصل ولایت نیست» (همان)؛ بنابراین از نظر صدر «دستمان در انتخاب ساختار حکومت باز است» (همان)؛ از این رو می‌توان از ساختاری متناسب با یک جامعه اسلامی دفاع کرد که بتواند بیشترین مقدار آسایش و سربلندی را برای جامعه اسلامی ایجاد و مشکلات مردم را رفع کند.

۱. «دلیل شرعی وجود ندارد که ما را ملزم به شکل خاصی از اشکال حکومت کند».

صدر نگاه خاصی به معنای ولایت دارد و افزون بر آنچه در بالا ذکر شد، بر این نظر است که «اکنون مفهوم ولایت تلاش برای برپایی حکومت صالح به منظور بنای جامعه‌ای صالح است». در واقع آنچه از این عبارت برداشت می‌شود، این است که جامعه اسلامی باید فضای مناسبی برای تشکیل دولت صالح ایجاد کند تا در نتیجه آن زمینه بنای جامعه صالح فراهم شود. در واقع تشکیل دولت مقدمه ایجاد شرایط و فضای مطلوب برای بنای جامعه صالح است؛ زیرا به باور صدر، شرایط جامعه در فرد تأثیرگذار است؛ بنابراین تأسیس دولت صالح می‌تواند زمینه اجتماعی مناسب برای تشکیل جامعه صالح را فراهم کند. آنچه به نظر صدر در این مسیر به انسان کمک می‌کند، توجه به روش امام علی (ع) است که در یک گفتار مسئولیت‌های حاکم را مشخص کرده است: «بدان که امام شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذاها به دو قرص نان اکتفا کرده است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۲۸)؛ از این رو در نظر امام صدر، ساده‌زیستی و زهدورزی کارگزاران دولتی اهمیتی مضاعف می‌یابد و در شمار مسئولیت‌های حاکم و کارگزاران است.

### ۳. دین، سیاست و دولت

با توجه به نگاه امام موسی صدر در بحث فوق، نوع نگاه وی به موضوع جدایی دین از دولت یا سیاست هم تا اندازه‌ای مشخص می‌شود؛ گویی ایشان با توجه به اینکه در فضای لبنان سخن می‌گوید، به نوع خاصی از ارتباط دین و دولت و سیاست می‌رسد، اما باید دانست وی به صراحت به نفی اندیشه سکولاریسم پرداخته است؛ بنابراین در وهله نخست نمی‌توان به هیچ‌عنوان وی را مدافع یا طرفدار اندیشه سکولاریسم به شمار آورد و در مقابل می‌توان او را مدافع و طرفدار اندیشه دینی دانست که در لبنان پرچم‌دار بوده است. همچنین بر دین‌داری، دین‌ورزی و زیست مؤمنانه تأکید کرده و برای کارآمدسازی دین اندیشه‌ورزی کرده است؛ از این رو می‌توان به صراحت اندیشه صدر را رودرروی سکولاریسم به شمار آورد، اما پرسش این است که وی مناسبات دین و دولت در جامعه لبنان را چگونه ترسیم می‌کند؟ آیا قائل به حکومت و دولت دینی در جامعه متنوعی مانند لبنان است یا از نوع دیگری از حکومت و دولت پشتیبانی می‌کند؟ این‌ها مباحثی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت و نوع نگاه امام موسی صدر را روشن خواهیم کرد.

همان‌طور که ذکر شد، صدر دین‌ورزی را یکی از اشکال سبک زندگی در کنار فرقه‌گرایی و

سکولاریسم می‌داند؛ با وجود این بر اجتماعی بودن دین و دین‌ورزی در جامعه تأکید و تصریح کرده و دو شکل دیگر را رد می‌کند (همان، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ بنابراین تلاش وی در لبنان مبتنی بر دین‌ورزی است و از وجوه اجتماعی دین و تعهد اجتماعی دین و عالمان دین دفاع می‌کند. او نحوه مواجهه خود با دیگر فرقه‌ها را نیز مسئله‌ای دینی و بلکه مبتنی بر اصول دینی می‌داند: «اما اینکه می‌بینید من با پیروان دیگر فرقه‌ها ارتباطات گسترده دارم و برای اهداف مشترک با آنان همکاری می‌کنم، به معنای نادیده گرفتن اصول دینی نیست، بلکه وفاداری به متن دین است؛ زیرا دین آموزه‌های مفصلی درباره چگونگی رفتار با پیروان مذاهب دیگر دارد» (همان، ص ۱۰۴)؛ بنابراین صدر نحوه مواجهه با دیگر فرقه‌ها و طوایف موجود در لبنان را مبتنی بر اصول دینی و نوعی وفاداری به آموزه‌های دینی و به تعبیری نوعی تعهد به انسان و عمل به تعهد دینی در قبال دیگر افراد و فرقه‌ها تلقی کرده و از آن دفاع می‌کند؛ از این‌رو نگاه اجتماعی وی به دین بسیار مهم بوده و وجه اجتماعی دین‌ورزی در کلام و رفتار او نمود و جلوه‌ای از حیات اجتماعی دین است. از نظر صدر، دین صحیح به همبستگی اجتماعی استحکام می‌بخشد: «فرقه‌گرایی منفی این است که فرقه خود را دیواری آهنین قرار دهیم که ما را از دیگران جدا کند و جامعه واحد را به اجزای کوچک تجزیه کند. چنین کاری از سوی دین صحیح مردود است» (همان).

به نظر می‌رسد این نگاه اجتماعی گاهی دارای حاشیه‌ها و ابعاد سیاسی است، اما امام موسی صدر آن را سیاسی نمی‌داند و بلکه نگاهی اجتماعی به دین در نظر می‌گیرد که گاهی واجد حاشیه‌های سیاسی است. از نگاه صدر دین چیزی جز خدمت به خلق نیست: «تقرب به خدا در منطق دین از راه خدمت به خلق میسر است» (همان، ص ۱۰۵)؛ از این‌رو صدر فعالیت‌های اجتماعی را تشویق می‌کند و بر این نظر است که دین نیز بر حضور اجتماعی افراد تأکید و توصیه می‌کند. همچنین به تعبیر وی دین درست هیچ‌گاه به انزوای پیروانش نمی‌اندیشد: «دین به مفهوم درستش پیروان خود را از دیگران منزوی نمی‌کند و آنان را به رهاکردن فعالیت‌های اجتماعی و خدمات عمومی فرامی‌خواند» (همان).

با چنین نگاهی، وی مشارکت در فعالیت‌های سالم سیاسی را نیز مجاز تلقی می‌کند و بر این نظر است که دین مانع چنین فعالیت‌هایی نمی‌شود: «دین مطلقاً مانع فعالیت سیاسی سالم با انواع مختلف آن نیست؛ به شرط آنکه به لحاظ اصول و راه و هدف با آن هماهنگ باشد... فعالیت سیاسی

سالم مشارکت در سازندگی آینده است. آیا دین پیروان خود را از مشارکت در ساختن آینده باز داشته و کار ساختن آینده پیروان خود را به دیگران سپرده است؟» (همان). صدر در چنین نقطه‌ای با آن مرزبندی می‌کند. درواقع دیگران را به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی سالم تشویق می‌کند و حتی بر این نظر است که دین پیروان خودش را در انزوا قرار نمی‌دهد و آنان را از ساختن آیندهٔ خود باز نمی‌دارد، اما این به معنای آن نیست که وی وارد یکی از گروه‌های سیاسی بشود یا حامی یکی از گروه‌های سیاسی باشد: «امکانات اجتماعی من که در اعتماد مردم خلاصه می‌شود و از عنایات الهی است، از آن خود من نیست و من حق تصرف در آن را ندارم؛ جز برای کسب رضای صاحب اصلی آن که خدا و دین است. همواره گفته‌ام که من در مقام نقطه اشتراک این نیروها، نمی‌خواهم با یکی از گروه‌ها باشم، بلکه این امانت بر من ایجاب می‌کند که نقطه اشتراک همه فرزندانم و فرزندان مذهبم باشم» (همان).

بنابراین یک نقطهٔ دیگر وجه تمایز ایشان به‌منزلهٔ یک عالم دینی و فعال اجتماعی در لبنان این است که هیچ‌گاه وارد جریان‌ها، گروه‌ها و احزاب سیاسی نمی‌شود و مرز خودش با آنان را ورود و حمایت از آنان می‌داند؛ از این رو منطق حضور اجتماعی ایشان که با پشتوانهٔ مردم صورت می‌گیرد، مشروعیت‌بخش می‌شود و بر این نظر است که نباید این نگاه جامع را بر نگاه‌های سیاسی گروهی و حزبی واگذار کرد. در گذشته اشاره شد ایشان قدرت خود در لبنان را نیز از سه چیز می‌داند: صداقت تا حد ممکن، تحمیل نکردن خود به دیگران و درک حقیقت دیگران. به نظر می‌رسد هر سه مورد ذکرشده از سوی صدر که پشتوانهٔ قدرت وی در لبنان محسوب می‌شود، نیازمند واکاوی و تأمل است. درواقع ایشان عالم دینی است که خود را فراتر از همهٔ گروه‌ها، احزاب و جریان‌های فکری و سیاسی می‌داند و مسیری که در پیش گرفته، مبتنی بر اصول دینی است.

ایشان در موردی دیگر به‌صراحت سکولاریسم را نفی می‌کند و این سبک زندگی را با جامعه هماهنگ نمی‌داند: «من به سکولارکردن زندگی در روی زمین اعتقاد ندارم؛ زیرا ممکن نیست انسان تنها ایمان و عمل خود را حفظ کند و جامعه را رها سازد تا بدون سازگاری و هماهنگی با زندگی او شکل بگیرد. این ناممکن است. باید نوعی هماهنگی و سازگاری میان انسان و کارهای او با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، وجود داشته باشد» (همان، ص ۲۳۰). به‌رحال این بحث ایشان را به موضوع رابطهٔ دین و دولت می‌کشاند و وی در این زمینه مورد سؤال بوده و البته در

موارد مختلفی نیز به طور صریح پاسخ داده و دیدگاه خود را روشن کرده است که در ادامه به تفصیل به آن اشاره می‌شود.

امام موسی صدر در بحث مبسوط دیگری که در مجلد ۱۲ گام به گام با امام نیز منعکس شده است، در موضوع سکولاریسم و رابطه آن با دولت مورد پرسش واقع می‌شود. پرسشگر از صدر سؤال می‌کند، سکولاریسم هم به معنای جدایی نهادهای دینی از دولت و هم به معنای برابری افراد جامعه در رسیدن به منصب‌ها بر اساس شایستگی‌هایشان است، اما چرا ما مفهوم سکولاریسم را به قانون احوال شخصیه محدود می‌کنیم؟ صدر در پاسخ می‌گوید: «درحقیقت ما آن را محدود به آن نکرده‌ایم. بله، ما با فرقه‌گرایی سیاسی مخالفیم؛ یعنی خواهان لغو فرقه‌گرایی سیاسی و برابری افراد جامعه در رسیدن به منصب‌ها بر اساس شایستگی‌هایشان هستیم، ولی جدایی دین از دولت بحث دامن‌داری است» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، ص ۱۶۲). با توجه به اینکه پرسشگر از پاسخ صدر قانع نمی‌شود، دوباره سؤال می‌کند جدایی دین از دولت به چه معناست؟ آیا منظور جدایی اسلام از دولت است؟ صدر پاسخ می‌دهد: «... اگر منظور از سکولاریسم، برابری افراد در رسیدن به جایگاه‌ها و منصب‌ها بر اساس شایستگی‌هایشان باشد، ما آن را قبول داریم، اما همان‌طور که می‌دانید با فرقه‌ای بودن حکومت مخالفیم. آنچه می‌ماند بحث جدایی نهادهای دینی از دولت است. مشکل شرق این است که ما شعارهای مطرح در غرب را که با وضعیت حاکم بر غرب سازگار است، به شرق آورده‌ایم» (همان، ص ۱۶۲).

با این نگاه ایشان به صراحت به تصاحب مناصب و پست‌های سیاسی بر اساس شایستگی‌های افراد نظر می‌دهد و بر این تلقی که اگر سکولاریسم گونه‌ای از مفهوم برابری فهم می‌شود، وی با آن موافق است، اما صدر در فقره مذکور بر نکته مهم دیگری نیز تأکید می‌کند که ریشه و خاستگاه سکولاریسم و جدایی دین از دولت در غرب و اروپاست؛ بر این اساس این نقد را وارد می‌کند که یکی از مشکلات حکمرانی در شرق این است که از غرب تقلید کرده و به تأسیس سازمان‌هایی اقدام کرده که با شرایط اجتماعی آنجا سازگارتر بوده است و بر اساس آن تمایل دارد حکمرانی کند. وی سپس به صورت جزئی‌تر به فرایند سکولاریسم به معنای جدایی دین از دولت در غرب اشاره می‌کند: «در اروپا دین و دولت قرین هم و در کنار یکدیگر بودند؛ یعنی کلیسا بر پادشاهان سیطره داشت، آنان را تعیین می‌کرد، جایگاه آنان را بالا می‌برد و با پادشاه و فتودال‌ها هم پیمان بود.



پس از آن، دین را از دولت جدا کردند؛ یعنی سیطره کلیسا بر حکمرانان را برداشتند» (همان). به نظر می‌رسد صدر در ضمن چنین نقدی بر آن است که بگوید شرایط جوامع مسلمان یا شرق متفاوت با جوامع غربی است و نباید مقلدانه هر آنچه را از آن سوی مطرح می‌شود مدنظر و پذیرش قرار داد. یکی از این موارد جدایی میان دین و دولت است. به نظر می‌رسد این نگاه ایشان را به سمتی هدایت می‌کند که قائل به این جدایی در شرق نباشد و در اندیشه طرح دیگری باشد که بعدها درباره آن سخن می‌گوییم. امام موسی صدر سپس وارد بحث جدایی دین و دولت در نگاه خود می‌شود و به تبیین دیدگاه خود درباره مناسبات دین و دولت می‌پردازد و می‌گوید:

«ما بر این عقیده‌ایم که روابط عام میان افراد جامعه باید بر پایه دین استوار باشد، ولی این به معنای حکومت دینی نیست. ما در مورد حکومت دینی دیدگاه خاص خود را داریم. در کشور لبنان و به‌طور خاص در این دوره میان نفی طایفه‌گرایی و سکولاریسم تفاوت وجود دارد. ما با فرقه‌گرایی مخالفیم، ولی به سکولاریسم نیز ایمان نداریم، حتی در مسئله دولت؛ چرا؟ زیرا هر انسانی ممکن است یکی از سه حالت زیر را داشته باشد: یا مؤمن باشد یا متعصب یا ملحد. دین‌داری به معنای تعصب‌ورزیدن نیست. دین‌داری یعنی حرکت کردن بر اساس دین و پایبند بودن به دین. تعصب‌داشتن یعنی حرکت کردن بر اساس عصبیت و هواخواهی و پافشاری کردن بر آن. ممکن است کسی هم دین‌دار باشد هم متعصب، ولی درعین حال امکان دارد کسی دین‌دار باشد، ولی متعصب نباشد. در جامعه نیز همین‌طور است، روابط افراد جامعه با یکدیگر مانند روابط اداری و سیاسی و شخصی، گاه بر پایه دین‌داری استوار است و گاه بر پایه تعصب‌ورزی و گاه بر پایه الحاد. جامعه سکولار جامعه‌ای است که وقتی می‌خواهند قانونی وضع کنند، در نظر نمی‌گیرند آیا این قانون بر ضد دین و ارزش‌هاست یا نه. ما نمی‌گوییم قانون فرقه‌گرا و متعصب باشد، ولی مبانی حکومت و روابط

اجتماعی باید بر حداقلی از اندیشه دینی و ارزش‌های دینی و مشترکات دینی استوار باشد» (همان، ص ۱۶۳).

این خلاصه نگاه صدر به موضوع مناسبات دین و دولت در جامعه لبنان است؛ از این رو صدر همزمان هم به نفی نظام فرقه‌گرایانه می‌پردازد و هم به نفی سکولاریسم. در واقع نفی فرقه‌گرایی سبب نمی‌شود در دام سکولاریسم بیفتد و همزمان به‌طور آگاهانه‌ای از هر دو دوری می‌گزیند و به دین‌داری در جامعه تأکید می‌کند؛ از این رو پذیرش سکولاریسم از سوی وی افزون بر مواردی که با نگاه به شایسته‌سالاری و بر عهده گرفتن پست‌های سیاسی است، در دیگر موارد نیز «به شرط آنکه با اعتقادات و شرع ناسازگاری نداشته باشد» از سوی وی پذیرفته است که به نظر می‌رسد شرط بسیار مهمی است و انسان را در میانه سکولاریسم و فرقه‌گرایی در حیرت فرو نمی‌برد و راه سومی پیش پای انسان مسلمان می‌گذارد. وی سپس با توجه به اینکه چنین مطلبی از سوی پرسشگر نوعی سکولاریسم مؤمنانه به شمار می‌آید، به نفی سکولاریسم مؤمنانه حکم می‌کند و پذیرش سکولاریسم در عرصه زندگی اجتماعی و کنار گذاشتن دین را به نوعی تسلیم شدن در برابر جریان سکولاریسم می‌شمارد؛ از این رو تصریح می‌کند: «همان‌طور که گفتیم این اصطلاح جذاب است و همه ما باید عقب‌نشینی کنیم. من این‌گونه نیستم و به این سخن امام (ع) ایمان دارم که در پیمودن راه هدایت از اندک بودن رهروان نهراسید» (همان).

به نظر می‌رسد با این نگاه می‌توان دریافت که صدر از موضع دین‌ورزی به بحث سکولاریسم نگاهی منفی دارد و آن را نمی‌پذیرد. همچنین بارها و با صراحت به این مطلب تصریح کرده است که سکولاریسم و جدایی دین از زندگی را نمی‌پذیرد و دین انسان را به فعالیت‌های اجتماعی تشویق می‌کند، اما آنچه در فضای لبنان می‌توان به آن اشاره کرد، این است که به تعبیر صدر نمی‌توان شاهد یک حکومت دینی بود و نمی‌توان از وجود یک حکومت دینی در لبنان دفاع کرد؛ بنابراین در حوزه سیاسی یک نوع سکولاریسم را می‌پذیرد، اما آن را منوط به شایسته‌سالاری در عرصه عمومی می‌داند و معتقد است هر شخصی که شایستگی دریافت پستی را داشته باشد، می‌تواند به آن نائل شده و به خدمت به مردم نائل شود؛ از این رو به نفی فرقه‌گرایی نیز رأی می‌دهد؛ زیرا فرقه‌گرایی سبب جدایی افراد و چندپارگی اجتماعی می‌شود.

#### ۴. تفکیک رهبر از دولت

با توجه به آنچه بیان شد، نکته مهمی که در سخنان امام صدر وجود دارد، آن تفکیک میان «رهبری» و «حاکم» است. به نظر صدر ممکن است رهبر، حاکم نیز باشد که در این صورت «اگر رهبر حاکم نیز بود، باید در سطحی پایین‌تر از سطح معیشت مردم زندگی کند» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱۲، صص ۲۸-۲۹)؛ البته وی در جایی دیگر در مباحث خود به واقعیتی درباره خویش تصریح می‌کند و می‌گوید: «رهبری جنبش از اعضای عادی فقیرتر است» (همان، ص ۲۴). این سخن به نوعی به وضعیت زندگی و سبک زیست خود ایشان اشاره دارد که به عنوان رهبری جنبش محرومان یک زندگی دارد که از حد معمول زندگی فقرا پایین‌تر است. صدر به خوبی می‌داند سطح زندگی رهبر و حاکم می‌تواند در اقبال‌داشتن یا نداشتن افراد جامعه به رهبر و حاکم تأثیرگذار باشد؛ از این رو به چنین مطلبی در موارد مختلف تصریح و بر آن تأکید کرده است.

وی از این هم فراتر می‌رود و بر این نکته تأکید می‌کند که «رهبر باید با فداکاری و تلاش و همه راه‌های ممکن حتی با شهادت از منافع مردم صیانت کند» (همان، ص ۲۹). این سخن امام موسی صدر یادآور این گفته ملاصدر است که معتقد است رهبر باید همواره آماده شهادت‌طلبی باشد و بتواند با شهادت خویش از مردم و جامعه خود محافظت کند؛ از این رو اقدامات رهبری تا سر حد شهادت باید تداوم یابد و برای صیانت از منافع مردم آمادگی شهادت داشته باشد؛ بنابراین به تصریح امام موسی صدر «مسئولیت آگاهان یا فرهیختگان و اعضای ارشد جنبش، اصلاح اوضاع مردم است (همان). ممکن است اصلاح اوضاع مردم از طریق شرایط عادی رخ دهد، اما گاهی ممکن است جز به شهادت و اعطای جان ممکن نباشد؛ از این رو رهبر باید آماده همه شرایط برای دفاع از منافع مردم و اصلاح اوضاع آنان باشد. امام موسی صدر بارها در این زمینه تهدید و حتی ترور شده است و در آخرین مأموریت خویش به لیبی نیز با ناپدیدسازی و ربایش اجباری مواجه شده و از صحنه فعالیت اجتماعی کنار گذاشته شد.

با این نگاه، صدر به صراحت درباره بهره بردن از تجربه بشری سخن می‌گوید و بر این نظر است که تجارب بشری «هر جا و هر زمان که به دست آمده باشند، ثروت انسانی ارزشمندی است که باید از آن بهره گرفت» (صدر، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۳۴۲)، اما این بهره‌گیری یک شرط دارد؛ اینکه هنگام استفاده و به‌کارگیری از آن‌ها باید اسلامی شوند. این اسلامی‌سازی به تعبیر صدر برای آن

است که «به صورت بخشی هماهنگ و سازگار با چارچوب عام اسلامی» درآید (همان). این مطلب نکته مهمی است که به لحاظ فلسفی هم می توان آن را تحلیل کرد. از جمله در بحث از رابطه نفس و بدن در فلسفه صدرایی گفته می شود که هر بدنی، نفس خویش را خلق و هستی می بخشد؛ از این رو نمی توان نفس یک جامعه و فرهنگ دیگر را به بدن یک جامعه دیگر الصاق کرد که در این صورت پیدایش ناهماهنگی در آن جامعه آشکار است؛ بنابراین در عین حال که صدر به اهمیت و ارزش تجارب بشری واقف و قائل به بهره گیری از آنهاست، به بهره گیری بدون ضابطه قائل نیست. وی با توجه به اشراف به حکمت متعالیه و به ویژه با پیش کشیدن بحث سازگاری و هماهنگی آموزه های دینی با یکدیگر به این نکته مهم اشاره و دلالت کرده و در واقع بر اسلامی سازی تجارب بشری تأکید و تصریح می کند.

به هر حال این نکته که امام موسی صدر می گوید: «باید برای بهره برداری از علوم، دانش ها و تجارب بشری اسلامی سازی و به تعبیری بر بومی سازی آن ها اقدام شود» با آنچه از نبود علم اقتصاد در مباحث اقتصادی خود سخن می گوید، تعارض ندارد. در واقع شاید بتوان گفت اگرچه ایشان قائل به علم اقتصاد نیست، بهره برداری از دانش های موجود را نیز به این صورت که هیچ تغییری در آن صورت نگرفته باشد و بخواهد به صورت خام اخذ و اقتباس کند و به کار بگیرد نیز نمی پذیرد؛ بنابراین در بهره گیری از هر دانشی باید بتوان آن را به خواست ها و جهت گیری های جامعه هدف نزدیک کرد؛ در غیر این صورت قابلیت بهره برداری را از دست می دهد.

با این بحث می توان به این نکته نیز پی برد که صدر به هويت در جامعه هدف توجه زیادی دارد؛ در واقع نباید با بهره گیری بدون برنامه و بدون اصلاح و تغییر معارف و تجارب بشری، هويت یکپارچه و هماهنگ جامعه را دچار خدشه و خلل کرد؛ بنابراین برای ایجاد یک تمدن، کسب هويت های خاص و تعریف شده ای لازم است که تا حد مقدور تحقق یابد. در غیر این صورت حرکت به سمت تمدن نیز دچار خلل می شود؛ به عبارت دیگر حرکت به سمت تمدن نوین، با بهره گیری از ابزار و جهت گیری های خاص از پیش تعیین شده و به تدریج صورت می گیرد. حرکت در جهت خلاف آن نیز به گونه ای است که ما را به مقصد نمی رساند. طبیعی است صدر به اهمیت این مسئله واقف بوده و بر آن است تا بتواند جهت گیری خاصی را که در حرکت به سمت تمدن نوین مورد نظر دارد، طراحی و اجرا کند؛ بنابراین به کارگیری بدون بازخوانی و بدون

هماهنگ‌سازی معارف و تجارب بشری با فضای فرهنگی جامعه می‌تواند به تخریب باورها و سازه‌های فرهنگی جامعه منتهی شود؛ از این‌رو تجربه‌های بشری در عین اینکه می‌تواند مفید باشد، می‌تواند مخل به مقصود نیز باشد.

پذیرش این نکته شاید برای طرفداران این عالم به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی روشن‌اندیش، کمی سخت و پیچیده باشد که از صدر به‌عنوان یک شخصیت پُرمدارا سخن بگویند، اما در این موارد با گزاره‌ها و آموزه‌هایی مواجه می‌شوند که برایشان اعجاب‌آور است. این نکته دقیقاً به دلیل آن است که مباحث این متفکر در چارچوب فلسفه مورد‌پذیرش وی فهم نمی‌شود؛ بنابراین به‌صورت گزینشی به نقل و بهره‌گیری از مباحث ایشان اقدام می‌کنند. به نظر می‌رسد صدر واقعی و اندیشه حقیقی وی در چنین بزنگاه‌هایی خود را نشان می‌دهد. صدر به سمت طراحی جامعه‌ای حرکت می‌کند که مقدمات نیل به تمدن جدیدی را در سر می‌پروراند، اما وی در این مسیر بدون برنامه‌ریزی و فارغ از چارچوب‌های فلسفی و دینی که هماهنگی را ایجاد می‌کنند، حرکت نمی‌کند. همچنین سختی‌های راه و حرکت را به‌خوبی می‌شناسد و تلاش می‌کند از این سختی‌ها به سلامت عبور کند.

به نظر، این موارد در شمار نقاط عطف اندیشه و عمل صدر است که ایشان را از دیگران متمایز می‌کند. صدر همان‌گونه که می‌اندیشد، سخن می‌گوید و عمل می‌کند؛ درواقع اندیشه، گفتار و عمل مثلث فعالیت‌های صدر هستند که در هماهنگی کامل با یکدیگر صورتبندی می‌شوند. از دیدگاه وی این هماهنگی در جامعه نیز جریان می‌یابد و می‌تواند خاستگاه ایجاد تمدنی نوین باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث گذشته و در پاسخ به اینکه صدر دولت مطلوب خود را واجد چه مختصاتی می‌داند و چگونه دولت را ترسیم می‌کند، گفته شد ایشان با توجه به واقعیات موجود در جامعه لبنان که گرفتار دوگانه نظام سیاسی فرقه‌گرا و نظام سیاسی سکولار است، به دنبال ایجاد راه سومی است تا بتواند با توجه به مشترکات دینی جامعه و با تجمیع و هم‌افزایی منابع و نیروها به ارتقای انسان بپردازد و از حضور مؤثرتر دین در این جامعه دفاع کند. درواقع دین اصیل از نگاه صدر دینی است که به واقعیت‌های اجتماعی توجه کرده و تلاش می‌کند در مسیر دین‌ورزی، آلام و

رنج‌های انسان را کاهش دهد؛ بنابراین صدر دین اصیل را برای حضور در صحنه اجتماع و عرصه زیست جمعی و زندگی انسان می‌داند که به او کمک می‌کند مشکلات مادی و معنوی خود را حل کند؛ از این رو از حضور اجتماعی دین دفاع می‌کند. موانع عمده پیش روی صدر، نظام سیاسی فرقه‌گرایانه، مشی سکولار دولت و جامعه لبنان و حضور نداشتن دین در صحنه اجتماعی است. صدر در دوره حضور بیست‌ساله خود در لبنان این هر دو مسیر را نادرست تلقی کرده و بر راه سومی تأکید می‌کند. این راه سوم بهره‌گیری از مشترکات ادیان در ساخت جامعه و حل مشکلات انسان لبنانی است؛ بنابراین نگاه صدر به دولت نیز خارج از این وضعیت نیست. وی تلاش می‌کند ضمن افزایش آگاهی‌های دینی و اجتماعی در جامعه، ساختار دولت را نیز از چنبره فرقه‌گرایی و سکولاریسم خارج کند و مسیر شایسته‌ای برای حل معضلات و مشکلات اجتماعی بیابد که در آن حضور در یک فرقه مؤثر نیست، بلکه شایسته‌سالاری، ایمان و تعهد فردی و جمعی نقش بیشتری ایفا می‌کنند. افزون بر شایسته‌سالاری که خارج از مدار فرقه‌گرایی و سکولاریسم است، صدر ویژگی‌های دیگری برای دولت برمی‌شمارد که نگاه متفاوت او را با دیدگاه‌ها و الگوهای دیگر نشان می‌دهد. این اختصاصات دولت به اختصار عبارت‌اند از: تدین، غیرمستبد، صالح، غیر سکولار، دموکراتیک و البته آسمانی؛ چنان‌که در متن هم نشان داده شد، مراد از آسمانی بودن دولت نگاه متافیزیکی نیست، بلکه مراد آن است که دولت فراتر از فرقه‌ها و جریان‌ها بایستد و با توجه به همه اعضای جامعه و همه شهروندان برای ارتقای انسان برنامه‌ریزی و تلاش و فعالیت کند. چنین دولتی می‌تواند مطلوب و آسمانی تلقی شود.

## تقدیر و تشکر

مقاله حاضر، مقاله منتخب کمیسیون تمدن نوین اسلامی هفتمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی می‌باشد. کمیسیون تمدن نوین اسلامی به میزبانی دانشگاه شاهد در آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شد. مراتب تشکر خود را از مجموعه عوامل برگزاری کنگره مذکور اعلام می‌نمایم.

## تضاد منافع:

نویسنده تضاد منافی اعلام نکرده است.

## منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۶)، «دولت مدرن و اقوام ایرانی: شالوده‌شکنی پارادایم‌های رایج»، در دولت مدرن در ایران معاصر، به کوشش رسول افضلی، قم، دانشگاه مفید.
- سرپرست سادات، سید ابراهیم (۱۴۰۱)، «مقایسه دولت اسلامی با دولت‌های سکولار و لیبرال غربی: چشم‌انداز تمدنی»، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۹)، فروردین، صص ۹۷-۱۲۷.
- صدر، سید موسی (۱۳۹۶)، گام به گام با امام: مجموعه گفتارها، مصاحبه‌ها و مقالات سید موسی صدر، به اهتمام یعقوب ضاهر، مجلدات ۲، ۳ و ۱۲، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، سید موسی (۱۳۹۹)، آنچه خود گفت (روایت امام موسی صدر از زندگی و اندیشه‌های خود)، ترجمه مهدی فرخیان، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- قانون اساسی لبنان.
- لکزایی، شریف (۱۳۹۷ الف)، درآمدی بر اندیشه سیاسی امام موسی صدر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- لکزایی، شریف (۱۳۹۷ ب)، امام خمینی و مسئله آزادی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- لکزایی، شریف (۱۴۰۲)، «چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر»، فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، صص ۱-۲۴.

## References

- Ahmadi, Hamid (2016), "Modern state and Iranian peoples: breaking the foundations of common paradigms". In *Modern state in Contemporary Iran*, by Rasul Afzali, Qom: Mofid University. [in Persian].
- Sadat Sarparast, Seyyed Ibrahim (1401), "Comparison of the Islamic state with secular and liberal western states: Civilization perspective", *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 5, Number 1 (9 consecutive), Farvardin, pp. 127-97. [in Persian].
- Sadr, Seyyed Musa (2016), Step by step with the Imam: a collection of speeches, interviews and articles of Seyyed Musa Sadr. By the efforts of Yaqub Daher. Volumes 2, 3 and 12. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [in Persian].

- Sadr, Seyyed Musa (2019), *What he said (Imam Musa Sadr's narration of his life and thoughts)*. Translated by Mehdi Farrakhian. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural and Research Institute. [in Persian].
- Constitution of Lebanon. [in Persian].
- Lakzaei, Sharif (2017), *A. An introduction to the political thought of Imam Musa Sadr*. Qom: Islamic Science and Culture Research Institute. [in Persian].
- Lakzaei, Sharif (2017), *b. Imam Khomeini and the issue of freedom*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [in Persian].
- Lakzai, Sharif (1402), "What is Western Civilization in the Opinions of Imam Musa Sadr", *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, Volume 6, Number 2 (12 consecutive), Mehr, pp. 1-24. [in Persian].